

ضرب الاجل برای جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

برخلاف خوش خیالی‌ها و تبلیغات عوامفریبانه مسئولان رژیم و یا تلاش‌های به اصطلاح دیپلماتیک آنها در هفته‌های اخیر، و با وجود گزارش نسبتاً ملایم مدیرکل "اژانس" در آغاز اجلاس شورای حکام در ۱۷ شهریور، تصویب چنین قطعنامه‌ای قابل پیش‌بینی بود و، در واقع، مقدمات لازم برای این کار نیز از قبل تدارک شده بود (رجوع شود به "اتحاد کار" ماه‌های تیر و مرداد گذشته). نه تنها هشدارهای مکرر به سران جمهوری اسلامی از سوی دولتهای مختلف و، بویژه، "اتحادیه اروپا"، در مورد ارائه اطلاعات کامل و همکاری با اژانس بین‌المللی در مورد برنامه اتمی ایران، طی دو ماه گذشته افزایش یافته بود، بلکه متن و یا متنهای پیشنهادی برای قطعنامه شورای حکام نیز، از هفته‌ها پیش، مطرح و مورد بحث بوده است. در آغاز، آلمان، فرانسه و بریتانیا، در این مورد پیشقدم شده و طرحی را ارائه کرده بودند. بعداً پیش‌نویس قطعنامه‌ای که از جانب کانادا، ژاپن و استرالیا تهیه شده بود، در جلسه شورای حکام به تصویب نهائی رسید. تصویب این قرار حتی نیازمند رأی‌گیری رسمی از ۳۵ عضو شورای حکام اژانس بین‌المللی نیز نشد، زیرا که ظاهراً توافق اکثریت نزدیک به تمامی اعضاء، در این مورد، تأمین بود.

هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی نیز، که در این دوره (همراه با ۱۴ کشور دیگر از بلوک "غیرمتعهدها") عضو شورای حکام است، به عنوان اعتراض به این مصوبه، جلسه را ترک و اعلام کرد که همکاری خود با این نهاد بین‌المللی را "مورد تجدید نظر" قرار خواهد داد. اگرچه تهدید و طرح دولت آمریکا، درباره محکوم کردن جمهوری اسلامی و کشاندن قضیه به "شورای امنیت" سازمان ملل، در این اجلاس مطرح و تصویب نشد، اما اولتیماتومی که بدین ترتیب به رژیم داده شده، راه را برای ارجاع مسئله به "شورای امنیت" نیز بسیار کوتاه و هموار ساخته است.

تصویب چنین قراری از سوی اژانس بین‌المللی، آشکارا، یک شکست بزرگ برای گردانندگان حکومت اسلامی، و موفقیتی چشمگیر برای دولت آمریکا است، صرف‌نظر از این‌که، این قبیل ماجراجویی‌ها و تشنج آفرینی‌های رژیم نیز مصالح اساسی و سرنوشت آینده جامعه را دستخوش مخاطرات جدی ساخته و می‌سازد.

در پی تعیین ضرب‌الاجل برای جمهوری اسلامی، چنان که انتظار می‌رفت و همان طور که مورد نظر آمریکا بود، موضوع برنامه اتمی رژیم و پیامدها و خطرات احتمالی آن، در منطقه و در سطح جهانی،

بیش از همیشه در سرلوحه اخبار و مباحث محافل و مطبوعات بین‌المللی قرار گرفته است. دولت جرج بوش که قبلاً به صورتی دلخواهی ایران را در کنار عراق و کره شمالی و در "محور شرارت" گذاشته بود، اکنون، با استناد به مصوبه اژانس بین‌المللی، می‌تواند به دولتهای دیگر و افکار عمومی نشان بدهد که جمهوری اسلامی در این قضیه، اگر نه "محکوم"، دستکم "مشکوک" است و بنابراین بایستی هرچه بیشتر تحت فشار و کنترل قرار بگیرد. وزیر خارجه آمریکا، دو روز پس از صدور قطعنامه مورد بحث، طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در بغداد، باری دیگر هشدار داد که ایران یا باید تضمین‌های لازم را در مورد برنامه اتمی‌اش بدهد و یا این که سر و کارش با "شورای امنیت" خواهد بود. به دنبال مذاکرات روسای جمهوری آمریکا و روسیه در اوایل مهرماه، آنها در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک، بر لزوم "اخطار صریح" به جمهوری اسلامی در زمینه انجام تعهدات خود در قبال "پیمان منع گسترش"، تأکید کردند. دولت روسیه که بر پایه منافع اقتصادی و سیاسی خاص خود، در این عرصه سیاست "میان بازی" را تعقیب نموده و تاکنون از امضای قرارداد تحویل سوخت به ایران (در مورد نیروگاه اتمی بوشهر) هم خودداری کرده، با تصویب اولتیماتوم مذکور، برای قطع کامل همکاری در این مورد، بیش از پیش، زیر فشار واقع شده است.

در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، که در ماه گذشته آغاز شده است، نیز مسئله برنامه اتمی ایران به صورت یکی از مسائل بحث انگیز روز درآمده، به طوری که در سخنرانی‌های بسیاری از سران و یا هیأت‌های نمایندگی دولتهای مختلف نیز مطرح شده است. وزیران خارجه "اتحادیه اروپا"، در اعلامیه مشترکی در ۲۹ سپتامبر، باری دیگر جمهوری اسلامی را تهدید کردند که هرگاه ضمانتهای مورد درخواست جامعه بین‌المللی درباره ماهیت برنامه اتمی خود را ارائه نکند، در مناسبات خود با این کشور تجدید نظر خواهند کرد. با اینهمه، باید یادآور شد که مواضع "اتحادیه اروپا" و دولت آمریکا در این باره یکسان نیست: درحالی که اروپایی‌ها خواستار امضای پروتکل الحاقی به "پیمان منع گسترش" (که امکان بازرسی‌های سرزده و گسترده را فراهم می‌سازد) از جانب ایران هستند، آمریکا اساساً در پی توقف و تعطیل تمامی برنامه اتمی و انزوای هرچه شدیدتر جمهوری اسلامی است.

اما واکنش رژیم حاکم در برابر این هشدارها و اولتیماتوم، که طبق معمول توأم با تأخیر و ابهام، و یا ناخردی و ندانم‌کاری بوده است، وقتی که با کشمکشهای پایان ناپذیر دستجات درون حکومتی نیز پیوند می‌یابد، حالتی کاملاً دو پهلو پیدا کرده و با ماجراجویی آشکار و رجزخوانی‌های بسیار همراه می‌شود.

نخستین مشکل مسئولان حکومتی در ارتباط با اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و، از این طریق، با جامعه جهانی، از آنجا برمی‌خیزد که آنان، در چارچوب تعهدات رسمی خود در قبال این اژانس و در مورد پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی، از دادن اطلاعات کامل راجع به برنامه‌های هسته‌ای خود طفره می‌روند و یا آنکه اطلاعات درخواستی را با تأخیری طولانی و بصورت "قطره چکانی" ارائه می‌دهند. و این همان است که به عنوان "قصورات" ایران در انجام تعهدات بین‌المللی، در گزارشهای قبلی، قید شده بود اما اگر قبلاً جمهوری اسلامی به دلیل عدم ارائه "بموقع" اطلاعات، مثلاً در مورد تأسیسات اتمی جدید الاحداث، مورد انتقاد واقع می‌شد، اکنون ماهیت برنامه اتمی و مقاصد واقعی مسئولان رژیم در این زمینه است که مورد ظن و سؤال است. در پاسخ این سؤال که ذرات اورانیوم غنی شده باقی مانده بر روی دستگاه‌های مرکز اتمی نطنز از کجا آمده است، مسئولان حکومتی مدعی شدند که ذرات برجای مانده مربوط به تجهیزات خریداری شده از خارج از کشور است ولی، بلافاصله، در برابر این سؤال قرار گرفتند که آن تجهیزات از کدام کشور خریداری شده است؟ بعلاوه، چنان که رسانه‌های بین‌المللی از قول مسئولان "اژانس" در اواخر سپتامبر خبر دادند، آثار دیگری از اورانیوم غنی شده در نمونه‌های مورد بازرسی، یافت شده است. با در نظر گرفتن شواهد موجود چنین به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی در سالهای اخیر و مخصوصاً پس از قرار گرفتن در "محور شرارت"، برنامه‌های هسته‌ای خود را شدت و سرعت بیشتری بخشیده است.

صدور قطعنامه و تعیین مهلتی پنجاه روزه برای ایران به منظور اثبات عدم تعقیب طرح ساخت سلاح اتمی، با این عنوان که تصویب این قرار "تحت تأثیر مسائل سیاسی" و یا "ناپجا" و "نادرست" بوده، از سوی مقامات دولتی شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. رئیس "سازمان انرژی اتمی ایران"، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاسخ به ضرب‌الاجل اژانس بین‌المللی، ضمن تأکید به تعهد ایران در قبال "پیمان منع گسترش"، اعلام داشت که این دولت به همکاری خود با "اژانس" و مذاکره در مورد پیوستن به پروتکل الحاقی، ادامه خواهد داد. خاتمی نیز با اشاره به امکان امضای پروتکل مذکور از طرف ایران، بر لزوم تداوم برنامه استفاده از تکنولوژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، تأکید کرد. آنچه که از مجموع موضعگیری‌های پراکنده دولت خاتمی و طرفداران آن مستفاد می‌شود، اینست که اینان حاضر به پذیرش پروتکل الحاقی هستند ولی امضای آن را مشروط به اختیار پیگیری برنامه اتمی موجود، و از جمله و بویژه تولید اورانیوم غنی شده، می‌نمایند

بقیه در صفحه ۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی